

باسمه تعالی

عنوان:

چگونه توانستم دانش آموزم که کم رو بود و ترس داشت را بهبود ببخشم؟

نام و نام خانوادگی مولف اول/مجری اصلی :

حدیث بندریان نژاد



اطلبوا العلم و لو بالصين فان طلب العلم فريضة علي كل مسلم; دانش را فرا گیرید اگرچه در کشور چین باشد; زیرا فراگیری علم بر هر فرد مسلمانی واجب است".

(ر.ک: میزان الحکمه، محمد ري شهري، ج 3، ص 2070، ح (13740).

تشکر و قدردانی

راز و رمز پویای علم و کشف معانی ... ای شهودی معرفت کیمیایی است که آسمان علم به برکت سیما و سیره ی نورانی نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم، انسان در بند خاک را به معراج حضور می خواند. و چه خرم علمی که از چشمه ی معارف سیراب شود و چه زیبا دانشی که قبای پرنیانش به عطر و بوی گلستان محمدی معطر شود و چه معماری باشکوهی، بنایی که سنگ هویت و فرهنگ آن ریشه در مدینه النبی بیابد. و امروز کاخ آباد علم به سروش معنوی و مفهوم پیام او بیش از پیش محتاج راهنمایی است که ... حفظ آبادانی آن در راه اعتلای آن به فرزندان خویش محبت نمایند.

در اینجا بر خود لازم می دانم از کلیه کسانی که در انجام این پژوهش به من یاری رساندند تشکر و قدر دانی نمایم.

چکیده

از آنجا که مسأله اخلاق و تربیت از نظر اجتماعی و آموزشی و از دیدگاه دین مبین اسلام بسیار مورد اهمیت می باشد و اینجانب نیز نسبت به این موضوع حساسیت خاص خصوصاً در زمینه ی دانش آموزان داشته ام . پس از آغاز سال تحصیلی و ورود به کلاس یکی از دانش آموزان را از نظر درسی ضعیف و کم انگیزه از معلم و مدرسه ترس داشت را دیدم و برخی کارهای غیر هنجار از جمله بی انگیزگی در یادگیری و بی حوصلگی در تحمل کلاس عصبانیت، حواس پرتی همچنین کمرویی و خجالتی بودن و این که دانش آموزم در فعالیت های داوطلبانه شرکت نمی کند و کمتر سعی می کند در فعالیت های کلاسی و همچنین فعالیت های گروهی شرکت نماید سعی نمودم تا به کمک مادرش او اعتماد بنفس او را تقویت نمایم لذا توانمندیهای او را مدنظر گرفتیم نه ضعف ها و ناتواناییها را. بنا بر این در جهت رفع این مشکل فعالیت های در حد توان از او خواستم تا با تلاش خود به موفقیت برسد و او را ترغیب به داشتن دوستان بیشتری نمودم تا از این طریق انگیزه بیشتری برای سخن گفتن و ابراز وجود داشته باشد

بر آن شدم تا منشأ این مشکلات را پیدا کنم. و در این راه از راه های متفاوتی استفاده کردم و اقداماتی انجام دادم گرفتن آزمون هایی در زمان وضع نامطلوب و مطلوب، گرفتن نظر همکلاسی هایش در هر دو شرایط، نظرخواهی از همکاران و مدیریت به طریقه پرسشنامه در رابطه با این موضوع، و کمک گرفتن از والدین این دانش آموز و با توجه به شواهد موجود و وقت اندکی که در این راه در اختیار

داشتم شروع به کار کردم برای اعتباریابی این پروژه از وجود همکاران، دانش آموزان، اولیاء بهره بردم.

از این رو بنده تصمیم گرفتم در سال تحصیلی اخیر درباره مشکل این دانش آموزم که ترس از معلم و مدرسه دارد به پژوهش بپردازم.

فهرست

چکیده.....

5.....

مقدمه.....

7.....

بیان

مساله.....

8.....

توصیف وضع

وجود..... 8

اهمیت و ضرورت

تحقیق..... 10

اهداف

پژوهش.....

11....

پیشینه اقدام

پژوهی..... 11

گردآوری شواهد یک

12.....

تجزیه و تحلیل و تفسیر داده

ها 14.....

انتخاب راه جدید به صورت

موقت 14.....

اجرای طرح جدید و نظارت بر

آن 15.....

گردآوری شواهد

دو 17.....

ارزشیابی تاثیر اقدام جدید و تعیین اعتبار 17.....

منابع

.....

19.....

پیوست

.....

20.

مقدمه

روانشناسان معتقدند ترس یک حالت هیجانی است نسبت به خطر یا یک محرک مضر که شخص از آن آگاه است . عامل ترس می تواند یک شی باشد ، یک انسان یا مسئله و موقعیت شخص .

ترس غیرمنطقی از مدرسه در واقع معادل واژه School refusal به معنی امتناع از مدرسه رفتن است و یکی از نشانه های اضطراب جدایی از والدین ، خانه ، خانواده یا شرایطی است که به آن دل بسته و وابسته شده بود . امتناع از مدرسه رفتن در هر سنی دیده می شود . اما معمولاً در ابتدای هر مقطع به صورت واضح تر و عینی تر خود را نشان می دهند . تقریباً این مسئله در بین پسرها و

دخترها در سنین آغاز مدرسه به طور یکسان دیده می شود ، اما در سطح بالاتر با اندکی تفاوت از یکدیگر سبقت می گیرند . در خانواده هایی که بچه ها با فاصله های زیاد از یکدیگر متولد می شوند شایعتر بوده و همانطور که گفته شد شایع ترین دلیل ترس از مدرسه در بین کودکان و در بدو ورود به مدرسه ناشی از اضطراب جدایی از والدین بخصوص مادر است . معمولاً مادران بچه هایی که دچار اضطراب جدایی هستند شخصیتی افراطی ، مضطرب ، بیش از اندازه حمایت کننده ، مردد ، غیرمنطقی ، حساس و عاطفی (سمپاتیک) دارند که اضطراب خود را با بیان افکار منفی و اضطراب آلود و عمل خود به بچه ها منتقل می کنند .

اغلب مادران کودکانی که ترس مدرسه دارند ، افرادی وسواسی ، کم تحمل ، نکته سنج و موشکاف هستند که احتمالاً خود با یکی از نزدیکانشان در کودکی دچار همین مشکل بوده اند .

ترس یا امتناع از مدرسه بیش از آنکه علت شخصیتی ، عاطفی یا ... داشته باشد ، ناشی از یادگیری است . مادر یا پدری که در ارتباط خود با کودکان مفاهیم و نکته های منفی از محرکها و مکانهایی مثل مدرسه یا درس خواندن می دهند وقتی تجربه های منفی توأم با وحشت و ترس و اضطراب ، خود را از دوران تحصیل و مدرسه ، تنبیه و توبیخ ها به بچه ها انتقال می دهند و از آنها می خواهند مواظب رفتارهایشان باشند ، خواه ناخواه ، بذر امتناع و ترس از مدرسه را در افکار آنان می کارند .

بیان مسئله

خودداری از رفتن به مدرسه طیفی دارد که یک سر آن گاهی مدرسه رفتن است و سر دیگر آن به زور مدرسه رفتن یا برای همیشه مدرسه نرفتن علائم اضطراب آنان به اشکال مختلف مانند سردرد، تهوع، گیجی، تب و ... بروز می کند (dot) گاهی اعتراض این کودکان با گریه و کج خلقی هایی که به رفتار پرخاشگرانه و مخرب تبدیل می شود، همراه است و معمولاً زمانی که فشار برای رفتن به مدرسه از کودک برداشته می شود، این علائم ناپدید می شود. اصطلاح «هراس از مدرسه» اصطلاحی جامع و فراگیر است. ریشه بیشتر این حالات همان ترس از ترک خانه است و اگر کودک را وادار به مدرسه رفتن کنیم، اضطراب او به هراس مبتدل می شود.

درواقع مدرسه نماینده دنیای خارج و نوعی واقعیت است که با واقعیتی که کودک در خانه تجربه کرده متفاوت است. کودکان «مدرسه هراس» مواجهه با این واقعیت را نمی توانند تحمل کنند. خودداری از

رفتن به مدرسه طیفی دارد که یک سر آن گاهی مدرسه رفتن اسنت و سر دیگر آن به زور مدرسه رفتن یا برای همیشه مدرسه نرفتن. این امتناع در میان دختران و پسران به یک اندازه رایج است و عمدتاً بین سنین ۵، ۶، ۱۰ و ۱۱ سالگی ظاهر می شود (dot) ترس های مفرط و غیرمعقول از مدرسه معمولاً برای اولین بار در دوره پیش دبستانی، کودکستان یا کلاس اول نمایان می شوند و در کلاس دوم به اوج خود می رسند، با این حال رفتار خودداری از رفتن به مدرسه می تواند در هر سنی رخ دهد و معمولاً هم پس از یک دوره ماندن در خانه که طی آن کودک بیش از حد معمول، نزد پدر یا مادر خود بوده است ظاهر می شود.

توصیف وضعیت موجود

اینجانب حدیث بندریان نژاد که در نهاد آموزش و پرورش مشغول به خدمت می باشم و هم اکنون نیز در کسوت آموزگار آموزشگاه خدمت می نمایم. پس از شروع سال تحصیلی زمزمه های از کم رویی و گوشه گیری، ناهنجاری و و خود نیز شاهد این قضیه در این دانش آموز کم رو خجالتی و حواس پرت بودم. تمرکز درسی نداشت و در درس بسیار ضعیف است تا اینکه تصمیم گرفتم مشکل او را بر طرف نمایم.

با توجه به شواهدی که داشته ام مسئله مورد نظرم که مشکل کم رویی دانش آموزم است به قرار زیر می باشد:

1- در روزهای آغازین سال تحصیلی متوجه برخی رفتارهای از جانب یکی از دانش آموزان شدم به حدی که این مسئله نوعی گریز و بیزاری از او به من القا کرد. اما بعد از دو سه جلسه متوجه شدم که او ذهن خلاقیت دارد به این نتیجه رسیدم که می توان از در دوستی با او وارد شد و برای و اگرچه شاید این کار من از نظر وجدانی جالب و صحیح نبود اما مرا در جلب اعتماد و دوستی بیشتر با او یاری و او را آرام تر کرد و متوجه شدم با مصالحت و دوستی می توان تا حدی مسئله را حل کرد ولی چگونه؟

در این زمینه چندین بار با ایشان برخورد کردم که به درس توجه کند ولی نمی دانستم چه کنم تا جلو این حواس پرتی و بی علاقتی او را بگیرم و وضع را بهبود بخشم تا اینکه تصمیم گرفتم کاری را در زمینه حل مشکل این دانش آموز انجام دهم.

برای پی برن به واقعیت مسئله ، مادر ایشان را به آموزشگاه دعوت کردم وقتی برای دومین بار به مدرسه آمد وضعیت در سال های گذشته چه اطلاعاتی می توانید به من بدهید ؟ توضیحاتی به من دادند که این توضیحات توسط خود ایشان در پیوست آمده است

اطلاعات زیرجهت حل مشکل در ذهنم به صورت سوال تداعی شد:

1-2- آیا سالهای تحصیلی قبل او، موجب ترس ایشان شده است ؟

2-2- آیا به خاطر روابط غلط با او، ایشان دچار خود پنداری منفی از خود شده است؟

2-3- آیا او دچار کمبود محبت شده است؟

2-4- آیاوی با رفتارهای خویش می خواهد دیگران را به خود متوجه سازد؟

2-5- چه راه حل هایی برای مشکل وجود دارد؟

اصطلاح ترس از مدرسه به معنای ترس کودک از مدرسه رفتن است.

ترس یا هراس و اضطراب به معنی خطر ناگهانی است. ترس متناسب با خطر است و اضطراب به ترس بدون منشأ گفته می شود. ترس مرضی یا فوبیا ترسی شدید و عودکننده و غیرمنطقی است؛ ترسی که به یک شخص، حیوان، شیء یا یک موقعیت معطوف می شود و موجب اجتناب از موضوع ترساننده است.

کودک مبتلا به ترس از مدرسه، معمولاً کار مدرسه ای خود را خوب انجام می دهد و از بهره هوشی خوبی برخوردار است. کودکی که از مدرسه می ترسد نزد مادرش می ماند ولی کودک فراری از مدرسه در خیابان ها گردش می کند و از بهره هوشی کمتر از متوسط برخوردار است.

ترس از مدرسه در کودکان مدرسه رو و در هر سنی که باشند دیده می شود، اما مشکل بین 5 الی 8 سالگی دیده شده و در 11 و 12 سالگی معمول و رایج تر است و هر 2 جنس به آن مبتلا می شوند؛ البته دخترها کمی بیشتر از پسرها.

در تمام طبقات اجتماعی این ترس مشاهده می شود. مخالفت کودک برای رفتن به مدرسه معمولاً در روزها و هفته های نخستین سال تحصیلی همراه با علائم جسمانی یا گریستن مداوم است.

ترس از مدرسه سبب می‌شود که کودکان در مواردی به تعارض روی آورند و اقدام به انجام اعمالی کنند که باعث نگرانی والدینشان شود، تا آنها به این نتیجه برسند که کودک را نباید به مدرسه فرستاد. گاهی ممکن است کودک به‌واقع بیمار شود؛ در این صورت لازم است برای معالجه او اقدام کرد.

فوبیای مدرسه معمولاً صبح زود رخ می‌دهد و در مواقعی که مدرسه رفتن منتفی است فروکش می‌کند و در روزهای تعطیل یا روزهای آخر هفته کمتر دیده شده یا اصلاً دیده نمی‌شود.

ترس از مدرسه دارای شدت و ضعف است. حالت شدید آن بیشتر در کلاس‌های اول تا سوم است. کودک دائماً از دردهای گوناگون می‌نالند، دچار کمخونی، بی‌خوابی و بی‌اشتهایی است و هضم غذایش با دشواری همراه است.

علل ترس از مدرسه

ترس از مدرسه تقریباً همیشه به یکی از 2 علت زیر برمی‌گردد؛ ترس مربوط به مدرسه یا ترس مربوط به خانه. ممکن است خانواده کودک را از چیزهای موهوم ترسانده باشند. تغییر و مواجهه با اشخاص تازه و مخصوصاً در مورد کودکان کم‌رو که دچار عدم احساس امنیت درونی و عدم اعتماد به نفس هستند نیز می‌تواند موجب فوبیای مدرسه شود. گاهی آنچه ترس از مدرسه به نظر می‌آید در واقع ترس از ترک منزل است. چطور اعتماد به نفس کودک را تقویت کنیم

گاهی وقوع حوادثی ناگوار در خانواده موجب می‌شود کودک تصور کند اگر به مدرسه برود و دور از محیط خانواده باشد اتفاق ناگواری پیش خواهد آمد. رایج‌ترین تصویری که درباره ترس از مدرسه وجود دارد این مشکل را ناشی از «اضطراب جدایی» می‌داند.

تصور اصلی بر این است که مادر و کودک به گونه‌ای شدید به یکدیگر وابسته‌اند، وابستگی شدید کودک برایش این ترس را به وجود می‌آورد که امکان دارد برای خود یا مادرش اتفاقی روی دهد. ماندن کودک در خانه نیازها و اضطراب‌های کودک را ارضا می‌کند. هر چند این نگرش در بین نظریه‌پردازان بسیار رایج است اما عاقلانه نیست که در تمام موارد این اختلال را ناشی از چنین علتی بدانیم.

دیدگاه تحلیل روانی، کودک مبتلا به ترس از مدرسه را کودکی می‌داند که نسبت به والدینش تمایلات پرخاشگرانه دارد و از اینکه تمایلاتش را در ترس از ترک و جدا شدن از پدر و مادر ابراز کند عاجز

است، از این رو به گذشته باز می‌گردد و به یک نیازمندی قبلی توسل می‌جوید و خشم خود را از دنیای خارج و به ویژه از مدرسه ظاهر می‌کند.

ترس از مدرسه اغلب حاصل خصومت و کینه‌توزی متقابل و سرکوب شده بین دختر و مادر است که در ارتباط دختر با مدرسه متبلور می‌شود.

برخی از متخصصان نیز بر ترس واقعی از مدرسه تأکید ورزیده‌اند و تجربه‌های تکان‌دهنده در محیط مدرسه را باعث شرطی شدن ترس کودکان می‌دانند. در دیدگاه رفتاری، تأثیری که توجه در تقویت اضطراب جدایی دارد در ماندگاری ترس شرطی نیز مؤثر است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت موضوع در این است که، چون دانش آموزان دوره ابتدایی در سنین حساس و بحرانی بلوغ قرار دارند، اگر این اختلال رفتاری در این مقطع سنی مورد توجه و سپس درمان قرار نگیرد، سبب یافتن هویت و جایگاه فرد در جامعه و در سنین بالاتر خواهد شد.

در آموزش و پرورش معلم نقش یاد دهنده و دانش آموز نقش یاد گیرنده (متعلم) را دارد. در این راه تعمیم و تعلم مشکلات فراوانی بر سر راه وجود دارد که با همکاری معلم و متعلم باید برطرف گردد تا امر آموزش به سهولت انجام گیرد. از میان این مشکلات انزوای طلبی و کمرویی در میان برخی از دانش آموزان وجود دارد. انزوای طلبی و کمرویی عارضه‌ای است که باعث می‌شود کودک و نوجوان از برقرار کردن ارتباط با افراد و محیط خارج دوری می‌کند و این کودکان نوجوانان نوعاً با تقلیل یافتن علائق ذهنی و عاطفی نسبت به اطرافیان خود از داشتن دوست نزدیک و صمیمی محرومند. (سیف، 1380 : 35). از مشکلات عدیده‌ای که در دانش آموزان وجود دارد می‌توان غیبت‌های بیش از حد دانش آموز، بیش‌فعالی دانش آموز، حواس پرتی و عدم توجه به درس، اضطراب و استرس، انزوا طلبی و کمرویی و... می‌باشد.

اگر نتایج این تحقیق به گونه‌ای باشد که بتواند رهنمون‌های مفیدی به معلمان در این زمینه ارائه دهد شاید کمکی باشد در جهت مبارزه با عدم اعتماد به نفس دانش آموزان در مدارس.

سوالات تحقیق

- 1- معلم تا چه میزان می‌تواند در ترس دانش آموزان مؤثر واقع شود؟
- 2- تشکیل گروه‌های کوچک درسی در کلاس تا چه میزان در اعتماد به نفس تأثیر دارد؟

پیشینه اقدام پژوهی :

1- نیسی (۱۳۶۴) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «اثرات اعتماد به نفس بر عملکرد دانش آموزان دختر و پسر سال اول تا سوم دبیرستان» به این نتیجه دست یافت که افزایش و کاهش اعتماد به نفس دانش آموزان دختر و پسر باعث افزایش و کاهش عملکرد آن ها شده است و بین اعتماد به نفس و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر همبستگی وجود دارد.

2- خیر (۱۳۶۷) در تحقیق خود که درباره ۴۳۹ نفر از دانش آموزان دوره که به دو گروه موفق (۲۱۲ نفر) و ناموفق (۲۲۷ نفر) تقسیم شده بودند، دریافت که بین خود پنداری که بین خود پنداری و گرایش شغلی دانش آموزان همبستگی معنی داری وجود دارد. بدین گونه که دانش آموزان ناموفق در تحصیل به دلیل عدم موفقیت يك خود پنداری منفی را در خود شکل می دهند و احتمالاً به همین دلیل شغل های «پایین تر» را انتخاب می کنند.

3- پور شافعی (۱۳۷۰) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی رابطه اعتماد به نفس با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر سال سوم متوسطه شهرستان قاین» ۱۶۰ نفر در سه رشته تحصیلی فرهنگ و ادب، ریاضی و علوم تجربی را به روش تصادفی طبقه ای، برگزید و از سیاهه اعتماد به نفس کوپر اسمیت برای سنجش اعتماد به نفس آزمودنی ها استفاده نمود و نیز معدل دانش آموزان به عنوان شاخص پیشرفت تحصیلی آنان در نظر گرفته شد. او با استفاده از همبستگی پیرسون به این نتایج دست یافت که بین میزان اعتماد به نفس دانش آموزان دختر و پسر از نظر آماری تفاوت معنی داری وجود ندارد. در مورد رابطه بین اعتماد به نفس با پیشرفت تحصیلی، با محاسبه روش همبستگی پیرسون ضریب به دست آمده برای آزمودنی های پسر ۰/۴۶ و برای دختران ۰/۴۹ بود که با مقایسه این ضریب با مقادیر بحرانی ضریب گشتاوری پیرسون، از نظر آماری، معنادار بود. همچنین نتایج آزمون خی دو، با احتمال ۰/۰۱ نیز از این فرض را تایید نمود. بنابراین نتیجه گرفته شده بیانگر این است که میان اعتماد به نفس دانش آموزان و پیشرفت تحصیلی آنان همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد و افرادی که اعتماد به نفس بالاتری دارند، از نظر میزان پیشرفت در تحصیل نیز در رتبه بالاتری قرار می گیرند.

گرد آوری شواهد یک

برای گرد آوری اطلاعات روشهای متعددی وجود داشت. در این پژوهش، از چند روش به صورت ترکیبی برای جمع آوری اطلاعات استفاده نمودم. در این پژوهش روشهای مشاهده، و مصاحبه

واسناد را انتخاب شده است. از طریق مشاهده رفتارهای او را زیر نظر گرفته و اطلاعات لازم را جمع آوری نمودم و با مصاحبه با همکاران مدرسه و والدین دانش آموزم سابقه رفتاری او اطلاعات لازم بدست آمد. او نظم کلاس را بر هم می زد و درچنین محیطی آموزش امکان پذیر نبود.

وقتی وارد کلاس میشدم بسیار کم رو بود و توجهی به درس نداشت در نوشتن بسیار ضعیف عمل میکرد ولی از ذهن خلاق او پی برده بودم سعی کردم با تضویق و کارت های جایزه او را به درس خواندن علاقه مند کنم و به تقویت اعتماد به نفس او بپردازم.

. لذا مسئله را با یکی از مشاوران ارشد منطقه در میان گذاشتم ایشان راهنماییهای لازم را جهت حل مشکل ارائه نمود. سپس با دو تن از مشاورین همکار در این زمینه مشورت کردم آن ها نیز راهنماییهای لازم را عرضه داشتند. بعد به دنبال کتابهای روانشناسی رفتاری، روانشناسی رشد، روابط انسانی در آموزشگاه و تحقیقاتی که در این زمینه انجام گرفته بود رفته و مورد مطالعه قرار دادم تا ببینم مشکل را چگونه می توانم حل نمایم. او دانش آموزی است که رفتارهای ایشان مغایر با مقررات کلاس می باشد. کتابها کهنه و دفترچه هایش رنگارنگ اما بدون انجام هیچ تکلیفی در آنها، خطش بسیار ناخوانا و نارسا بود همه حروف را بهم می چسباند وقتی مشاهدات من کامل می شد نتایج زیر خود را نشان میداد:

بسیار زود باور و سریع عصبانی می شود.

تمرکز درسی ندارد و در درس بسیار ضعیف است.

او از نظر درسی ضعیف است.

او بی حوصله است.

معلمین به او توجه لازم را نکرده اند.

معلمین به تفاوتهای فردی ایشان توجه نکرده اند.

او دانش آموزی مغروری است و باهوشی است.

تجزیه و تحلیل و تفسیر داده ها:

من در این پژوهش از الگوی روش ترسیم مفاهیم در تجزیه و تحلیل و تفسیر داده ها استفاده نموده ام که به توضیح آن می پردازیم.

سعی کردم از منابع و کتابهای مختلفی استفاده نمایم تا بتوانم در ابتدا علت رفتارش را بدانم و بعد بتوانم راهکارهایی را برای کاهش رفتارش ارائه دهم. در تجزیه و تحلیل باید به دنبال چرایی و چگونگی علت رفتار کم رویی و خجالتی بپردازیم. طبق اطلاعات بدست آمده از شواهد 1 و مطالعات بنده چندین عامل را مهم دانستم.

عوامل مدرسه ای :

دوستان و هم سن و سالان که برخی از بچه ها را به خاطر ضعف در برخی از موارد زندگی خود مورد تمسخر قرار می دهند که این خود نوعی عامل بوجود آورنده برخی کم رویی در اینگونه افراد می شوند. برخی از معلمان نیز به تشدید کردن این کم رویی دامن می زنند مانند توجه نکردن به تفاوت های فردی آنها... که همه این موارد در مورد دانش آموزم دانش آموزم است.. برای رفع کم رویی به درس ، ابتدا بهتر است علل مشخص شود تا راه حلهایی جهت بهبود تعیین گردد.

انتخاب راه جدید به صورت موقت

بعد از مرحله گرد آوری شواهد یک نوبت به انتخاب راه حل طبق اطلاعات گردآوری شده می رسد. از آنجایی که مرحله انتخاب راه حل ها خیلی مهم و حساس می باشد بنده از نظرات چند فرد اقدام پژوهی مانند خودم استفاده نموده ام.

چون مشکلات رفتاری بچه ها از طریق عملکرد آن ها نشان داده می شود لازم است که هر چه زودتر تشخیص داده شود و درمان فوری صورت گیرد. چون در صورت عدم درمان به مرور باعث مشکلات زیادی را در دوران بلوغ و بعد از آن به وجود می آورد. که در این جا من چند راه حل موقت را که برای از بین بردن ناسازگاری دانش آموزم در نظر دارم عبارتند از :

- ❖ فعال کردن دانش آموز در مدرسه و یا مسئولیت دادن به وی
- ❖ تماس با والدین
- ❖ از بین بردن تبعیض در مدارس و خانواده ها
- ❖ انجام برخی فعالیت ها که باعث از بین رفتن ناسازگاری دانش آموز می شود .

اجرای طرح جدید و نظارت بر آن

والدین تجارب افکار بازخوردهای منفی خود را به کودکان و نوجوانان انتقال ندهند ، با تأکید بر مراحل مختلف رشد کودکی و نوجوانی و تغییرات هر مرحله والدین رفتارهای خود را متناسب با این تغییرات تغییر دهند.. از ترساندن بچه ها ، ایجاد رعب و ترس از معلم ، تشبیهات (اگر بچه خوبی

نباشد می‌گم معلم تو را تو کلاس حبس کند) خودداری کنند. خاطرات، یادواره‌ها و تجارب مثبت، شاد و جالب خود با معلم‌های را با بچه‌ها در میان بگذارند، از معلم‌ها با القاب خود (با لبخند) یاد کنند. آنها را مهربان و دلسوز بدانند و به بچه‌ها انتقال دهند، پیش از آغاز مدرسه آنها را با مسئولین، معلم‌ها و محیط مدرسه آشنا کنند، به هیچ وجه به خاطر ضعف در فهم یا انجام تکالیف، تنبیه یا توبیخ نکنند. بچه‌های دیگر را به رخصان نکشند، تفریحات آنها را محدود نکنند و دلیلش را مدرسه رفتن قلمداد نکنند. بچه‌ها را در دوره ابتدایی به خود وابسته نکنند، سعی کنند روشها را با آنها بیاموزند و بگذارند خودشان با کمک و یاری والدین در حد اعتدال تکالیفشان را انجام دهند، برای جلوگیری از انزوا طلبی و دوری‌گزینی سعی کنند از دبیران در منزل استفاده نکنند، آنها را تا می‌توانند در محیط‌های آموزشی و حضور در جمع قرار دهند.

راهکارهای ترس‌زدایی

معلمان باید با استفاده از جملات سرشار از مهر و محبت و نوازش، دانش‌آموزان را آرام کنند و مدرسه را به عنوان محیطی امن، صمیمانه و همراه با آسایش و راحتی برای آنها فراهم کنند.

معلمان باید از هرگونه سرزنش، تهدید، تمسخر، آزار و انتقاد و تنبیه خودداری کنند.

لازم است، برخی خطاهای کودک در ورود به مدرسه و دوره اول نادیده گرفته شود.

باید به کودکان القا شود که مدرسه جای ترسناکی نیست.

معلمان باید جرات و اعتماد به نفس دانش‌آموزان را برای غلبه بر مشکلات درسی افزایش دهند.

مشاوره و مذاکره معلمان با اولیای دانش‌آموزان و رسیدن به تفاهم نسبی برای رفع مشکلات دانش‌آموزان کارساز است.

باید به کودکان برای رفتن به مدرسه از طرف والدین و معلمان امتیاز داده شود و تشویق شوند. البته بعد از عادت کردن، امتیازات کاهش یابد و حذف شود.

از دادن تکالیف سخت بخصوص برای کلاس‌اولی‌ها باید خودداری شود.

زمینه دوستی و آشنایی کودکان با سایر همکلاسی‌ها از طرف معلمان باید فراهم شود.

فضای فیزیکی مدرسه و کلاس باید شاداب و تزئین شود.

لازم است، علت غیبت دانش‌آموزان از نظر جسمی و روانی بررسی و تحلیل شود و فقط به معلول توجه نشود.

نیازهای عاطفی، روانی، اجتماعی دانش‌آموزان از طرف معلمان ارضا شود تا آنان احساس کمبود و اضطراب نداشته باشند.

رضایت والدین برای همکاری و ارتباط با مدرسه از طرف معلمان و به منظور کاهش مدرسه‌هراسی کسب شود.

از سوی معلمان و مشاوران، آموزش لازم به اولیا برای جلب همکاری درخصوص شیوه رفتار با کودکان طرف داده شود تا همدلی و اطمینان خاطر در طرفین به وجود آید.

در صورت افت تحصیلی، بروز علائم افسردگی، تهوع و بی‌اشتهایی، دانش‌آموز باید از طرف معلم و با هماهنگی اولیا به مددکاران اجتماعی، متخصصان مشاوره و روان‌شناسی ارجاع داده شود تا درمان شود و از ادامه اختلالات روانی جلوگیری شود.

الگو بودن معلمان در آرامش روحی کودکان و جلوگیری از اضطراب موثر است.

رفتار، حرکات و سکناات معلم (مثل حرکات دست، چشم و قسمت‌های مختلف بدن) در ایجاد آرامش یا اضطراب دانش‌آموزان موثر است.

آراستگی ظاهر معلم مثل لباس، رنگ لباس و صورت و آرایش معلم در آراستگی دانش‌آموزان موثر است.

تبعیض قائل نشدن معلم و صبور بودن مقابل ناملایمات دانش‌آموزان ضرورت دارد.

به جای وابستگی کودک به معلم بهتر است معلم به کودک وابسته باشد.

عوامل نفرت از مدرسه مثل تکالیف سخت و سنگین باید حذف شود.

دادن جایزه و هدایا به کودک بخصوص در روز اول ورود به مدرسه از طرف معلم لازم است.

معلمان و والدین باید حس استقلال در کودکان ایجاد کنند تا به این باور برسند که بدون والدین می‌توانند در مدرسه مستقل باشند.

علت نرفتن کودک به مدرسه باید دقیقاً بررسی شود.

با کودک با محبت و ملایم صحبت شود و از تذکرات تند و نصیحت تکراری و بی‌مورد خودداری شود.

رفتارهای مثبت کودک برای مدرسه رفتن مورد توجه و تشویق قرار گیرد.

به کودک باید نشان داده شود که مدرسه آمدن خیلی مهم و باارزش است و در آینده برای جامعه، والدین و کشور مفید و موثر خواهد بود تا احساس ارزش و غرور کند.

اطلاعات لازم از طرف مشاوران - والدین درباره مشکلات جسمی و اختلافات خانوادگی کسب و براساس آن برنامه‌ریزی کنید.

نظم و ترتیب را باید به دانش‌آموزان آموخت

گرد آوری شواهد دو

بعد از آنکه راه حل‌ها را اجرا کردم تا حدی به این نتیجه رسیدم که در دانش‌آموزم تغییراتی به وجود آمده است اما برای تایید وصحت گفته‌ها به جمع‌آوری اطلاعات پرداختم برای همین اول به سراغ دوستانش رفتم و در مورد رفتار دانش‌آموزم از آنها سوال کردم و گفتم بچه‌ها رفتار دانش‌آموزم با شما چطور است شکل زود باوری وی حل شده بود و بسیار منطقی شده بود. وقتی به کتاب آقای دکتر اکبری مراجعه کردم او نیز صحت این گفته‌ها را تایید کرده که وقتی ما به کودکان کم‌رو مسئولیتی می‌دهیم تا در مسیر فعالیت‌های لازم حضور داشته باشند مطلوب بودن این روش است که کودک یا نوجوان در جهت کنترل رفتار خود و پذیرش مسئولیت هدایت می‌شوند که این عمل باعث افزایش اعتماد به نفس دانش‌آموز می‌شود که در این بین احساس بزرگ شدن به دانش‌آموز دست می‌دهد.

بعد به سراغ همکارانم رفتم با این که مدت‌ها بود خودم می‌دیدم و می‌شنیدم که همه از رفتار دانش‌آموزم تعریف می‌کنند باز هم از همکاران پرسیدم به نظر شما رفتار دانش‌آموزم چطور است آنها گفتند با اینکه صد در صد خوب نشده ولی می‌توان به جرات گفت که نسبت به پارسال وضعیت درسی گذشته اش صد در صد تغییر کرده بعد وقتی از پدرش پرسیدم از درس خواندن و انجام تکالیف در منزل دانش‌آموزم راضی هستی یا نه کلی تشکر کرد و گفت کمک خیلی بزرگی به من کردید همیشه درس نخواندن کم‌رویی او برام یک غصه بود و بعد از کلی تعریف متوجه شدم که دانش‌آموزم در خانه هم تغییر کرده بود.

ارزشیابی تاثیر اقدام جدید و تعیین اعتبار

به نظر می‌رسد وقتی مسئله‌ای پیش می‌آید. اولین قدم این سؤال پیش می‌آید که این مسئله چرا بوجود آمده است؟ مشکل چیست و از کجاست؟ قدم بعدی، پیدا کردن علل مشکل است؟ البته ممکن است یک مسئله خاص، از علل متفاوتی ناشی شود. اما با مطالعه دقیق مسئله، علل اصلی مسئله به احتمال زیاد مشخص می‌گردد. تشخیص زمان پیدایش مسئله خود خیلی مهم است. چون علت را تا حد زیادی مشخص می‌نماید.

مشکل دانش آموز کم‌رویی و تشویق و توجه بود که با استفاده از شیوه‌های صحیح اصلاح و حذف رفتارهای غلط، رفتارهای درست و بهنجار جایگزین رفتارهای نابهنجار رو به خاموشی رفت. در 2 ماه اول سال وضعیت تحصیلی دانش آموز بسیار ضعیف بوده است. سپس با استفاده از تاکتیک‌های عملی و اصرار بر شیوه‌های کاربردی (شرکت در کار گروهی، شرکت در طرح جابر و مسئولیت دادن در مدرسه، تشویق لفظی دانش آموز، حمایت والدین و همکاران عزیز) در ماه‌های بعد وضعیت تحصیلی او بسیار بهبود یافت. بعد از اجرای راه حلها، اعتماد به نفس دانش آموز به طور چشمگیری افزایش یافت. دیگر در لیست دانش آموان ضعیف و حواس پرت کلاس مشاهده نشد. با هم‌کلاسی‌هایش در کارهای گروهی و بحث‌های جمعی همکاری می‌کرد. او عزت نفس بالایی پیدا کرده بود و به طور مثبت می‌توانست در محیط آموزشگاه با مسئولیتهایی که به او محول شده بودند، ابراز وجود نماید. اکنون انرژی مثبت او در کمک به مرتب نمودن کتابهای کتابخانه، هدایت ورزش صبحگاهی و... مصروف می‌شد.

شنا سایی علل و عوامل کم‌رویی دانش آموزان در مجموعه عامل‌های متعدد، باید زیر مجموعه‌ای از عوامل کشف شوند تا با ارائه‌ی راه‌کارهای کاربردی برای از بین بردن یا کاهش آن‌ها، تغییرات مناسب و مثبت در کیفیت و ارتقا اعتماد به نفس ایجاد شود.

منابع

- 1- قشلاقی، محمد_ 1371_ مبانی تحقیقات تجربی_ چاپ اول_ انتشارات المپیک ورزش.
- 2- قاسمی پویا، اقبال_ 1383_ عملی پژوهش در عمل_ چاپ دوم_ انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت
- 3- میلانی فر، بهروز_ 1384_ روان‌شناسی کودکان و نوجوانان استثنایی_ چاپ هشتم نشر قومس
- 4- تبریزی، مصطفی_ 1380_ درمان اختلال‌های خواندن، تهران، انتشارات خلاق

5- سیف نراقی_ مریم ونادری_ 1379_ نارسایهای ویژه یادگیری، تهران، انتشارات مکیال

6- احدی، حسن_ 1387_ اختلالات یادگیری (از نظریه تا عمل)_ تهران- نشر ارسباران

7- کاکاوند، صادق_ 1385_ روان شناسی و آموزش کودکان استثنای_ تهران_ نشر روان

8- سیف-صادق اکبر_ 1387_ روان شناسی پرورش نوین چاپ دوم_ نشر دوران

9- کاپلن، هارولد، ای، سادوک، بنجرهرا، جی (1377)، اختلالات رفتاری و روانی دوران کودکی و نوجوانی_ ترجمه زهرا الله قاضل_ شیراز_ انتشارات راهگشا

10- امیرحسینی، خسرو_ 1384_ مهارت پژوهشگری در آموزش (اقدام پژوهی)

پیوست

نمونه تکلیف دانش آموز



